

کار و ارتقا سطح مطالبات خود را نیز میبندد که در صورت آمادگی سایر مولفه ها میتوانند به مثابه احزاب کارگری ظهور نمایند.

در زمانه ای زندگی و کار میکنیم که نئولیبرالیسم یا نظم نوین کارکرد سرمایه امپریالیستی و فرامرزی تعیین کننده سیاست های ملی و محلی نیز هست. خصوصی سازی های تبهکارانه کاهش و قطع یارانه های ضروری و تولید جنگل مولایی بنام جامعه مدنی بورژوازی از ویژه گی های عمومی آن است. در حالیکه زحمتکشان جهانی بیشتر در شرایط بیکاری فقر و بی حقوقی بسر میبرند اما که سرمایه بین المللی و نمایندگان سیاسی آن در حال چانه زنی و معامله با سبب ترین نیروهای تروریسم دولتی (جمهوری اسلامی) و خونتهای نظامی و نئولیبرال های نوکر مسلک و عروسک های دست ساز خود هستند و اکنون شرایطی فراهم شده که مشکل جهانی مقابل مبارزات ملی و محلی کارگران و زحمتکشان قرار دارد. این مشکل جهانی همان برج و باروی نجومی مناسبات سرمایه داری است که بهم پیوسته هم سر نوشت و هم مدت از پکن تا مسکو و واشینگتن و اتحادیه اروپا طول و عرض دارد و کوچکترین تغییرات سیاسی از جانب ارباب سرمایه بین المللی یا حداقل توسط بخشی از آنها مدیریت میشود. چنین است که سر نوشت سیاسی ایران را هم با تصویر معجول و دست ساز ارباب سرمایه نئولیبرال رقم زده اند. میگویند یا اردوی خامنه ای و سپاه خودی میشود و یا اوضاع به نفع آتر ناتویو آنها یعنی اعتدال گرایان یا همکاران پاسداران سرمایه اصلاح طلب تغییر میکند. گویی که در این بین احتمال دیگر از جمله آزادی ایرانیان از یوغ کلبیتی تروریستی بنام جمهوری اسلامی اکیدا موضوعیت ندارد. اینجاست که باید گفت مبارزات نمیتواند در محدوده محلی خود بماند و بی شک بخشی از تلاش بین المللی اردوی کار است.

به نظر من در این پیوند و تصویر ذکر شده تلاش های نظری و همچنین عملی بخش بیرونی و برون مرزی جنبش کارگری و انقلابی زحمتکشان ایران میتواند قدم های مثبت و روشن گرانه مهمی بردارد. تاکید بر بسیمای جهانی رنجی که بر کارگران و مردم زحمتکش میهن ما میروود و از مهمترین هاست و تلاش برای استمرار مقاومت عظیم زاده ها در ابعاد یک طبقه اجتماعی از آن مهمتر! نه اعتصاب غذای دلبرانه عزیزان و هم رزمان بدون حضور سایر اشکال مبارزه و مقاومت میتواند به سرانجام برسد و نه ارباب سرمایه ابائی از جان فشاننی ما دارد. آنچه که مهم است سازماندهی و فعال نمودن سایر اجزا تصویر مبارزه آزادی خواهانه ایرانیان است. در این میان و هنوز تبلیغات مضر دایر بر اینکه هرگونه اعتصاب و حرکت علیه دولت کلید بدست مقام امنیتی (روحانی) به نفع جناح مقابل تمام میشود مقابل بخشی از نیروهای مقاومت و مبارز قد علم کرده است. که افشاگری علیه این سم تئوریک و برنامه تبلیغی انحصارات از جمله فکر انبارهای انحصارات امپریالیستی عمده میشود. این همان رویکردی است که از بدو تشکیل جمهوری اسلامی آن را به دو جناح تقسیم میکند و کمک به بخش ملایم را توصیه میکند. نظریه ای که از روز نخست توسط دفتر سیاسی حزب کمونیست اتحاد شوروی سابق ارائه و توسط بازوی ایرانی تبار آن (حزب توده) عملی شد.

مبارزات کارگران در ایران وارد مسیر جدیدی از مقاومت و ابتکار طبقاتی شده و آن حرکت مستمر در مسیر احقاق حقوق خود و داشتن ابزار طبقاتی و صنفی است. در این مسیر تجربه سایر کشورها و از جمله همسایگان میگوید که این روند اگر نخواهد مظلومانه سرکوب شود بی شک نیاز به عروج و ظهور مجدد

جعفر عظیم زاده ها نمونه ای از عصر جدید

مقاومت

مجید پهلوان

www.majidpahlavan.com

سرمایه داری اکنون چون برج و بارویی است که ابعاد جهانی آن هم پیمانان بین المللی و فرامرزی تولید نموده است. با پیوستن روسیه و چین به اردوگاه مناسبات سرمایه داری و اضمحلال و پوسیدگی سوسیالیسم سربازخانه ای و آمرانه و پلیسی اکنون این کل بهم پیوسته یک سازه جهانی را تشکیل میدهد که در تمام ابعاد و جزئیات از یکدیگر تاثیر میپذیرند. برای مثال صدها اعتصاب و درگیری کارگری با کارفرما در چین و حتی شلاق خوردن کارگران در کره جنوبی و چین به اتهام کم کاری، با بی تفاوتی ایالات متحده آمریکا و اتحادیه اروپا روبرو میشود. گرسنگی، بی حقوقی و فقر مزمن کارگر ایرانی، همتای شکنجه و سربیه نیست شدن کارگر هندوراسی و مکزیکی است. هنوز پرونده های مفقود شدن کارگران در مکزیک هندوراس و سربیه نیست شدن رهبران اتحادیه های کارگری در ال سالوادور با بی تفاوتی ارباب سرمایه بین المللی از جمله کاخ سفید و اتحادیه اروپا روبرو میشود. من معتقدم که کالبدشکافی شلاق خوردن کارگران آق دره و اعتصاب غذای عظیم زاده ها ما را به تصویر بالا و بین المللی بودن این اوضاع میرساند.

عصر جدیدی افلا در مبارزات کارگران ایران آغاز شده است. گویی مانیز پای جای مبارزات تاریخی کارگران ترک (ترکبه) میگذاریم. آنجائیکه اغلب پس از جنگ جهانی دوم سرمایه داران تورک تمام سبعیت بین المللی خود را با حمایت ارباب امریکایی بکار بردند تا جو ترور آدم ربایی و مفقود الاثر شدن ها را در محیط های کار غالب گردانند. صدها کشته و هزاران زندانی و چندان ده بوده شده فقط حاصل مبارزات کارگران تورک در دهه پنجاه میلادی قرن بیستم بود. آنها در کنار سایر اشکال مبارزه و از جمله مبارزه مسلحانه قادر شدند تا شکل های خود را بالاخره به سیستم بردگی نوین تحمیل نمایند. اتحادیه هایی که بدون همبستگی با مبارزات ملی انقلابی شهروندان ترکیه نمیتوانست پایدار و زنده بماند. بزرگراه همبستگی بین شکل های کارگری و جنبش دانشجویی و بویژه مبارزات زنان ترکیه و مبارزات کوردها در شرق کشور تولید نیروی عظیمی نمود که عظیم زاده های بسیار تولید نمود. که شکل های کارگری عصر جدیدی از مقاومت را در سایه مبارزات مستمر خود آغاز نمودند. آنها نیز چون کارگران ال سالوادور. مکزیکی، شیلیایی و... چنان استوار و مداوم در سنگر مطالبات خود ایستاده اند که عصر قدیم را پشت سر گذاردند و وارد دوران شکوفایی سندیکاها و اتحادیه های کارگری شدند. که بالاخره شکل های خود را به حکومت و دولت های متعدد تحمیل نمودند. آنها ولی به تجزیه دریافتند که اتحادیه و سندیکا به خودی خود میتواند حتی ابزار معامله بین سران اشرافیت کارگری و حکومت و سرمایه داران شود ولی در صورت همبستگی انقلابی آنها با سایر ابعاد مبارزات عمومی زحمتکشان امکان استمرار

برآمد اجتماعی همگانی و حضور سایر اشکال مبارزاتی و تشکلات انقلابی زنان دانشجویی و جنبش همگانی، جدا از بازی های پوسیده جناحین رژیم دارد.

در جریان مبارزات کارگران انقلابی سایرکشورها وهم سرنوشت های ماصدها شاهرخ زمانی ها که جان فشانی نمودند وجود دارد ولی شرط ضروری استمرار مبارزات آنها هم یکی فعال نمودن سازماندهی ممکن مخفی- علنی در محیط های کارو زندگی زحمتکشان است. که عظیم زاده ها باجان فشانی خود تنها چراغ راهی هستند پیشاپیش دعوت همگان و بخش های جامعه معترض برای پیوستن به این تلاش ها. دیگران همین راه را رفته اند ومانیز به دنبال آنها. در صورتی که جعفرها تنها بمانند مانیز حق خود را به تلاش های دلیرانه آنها ادا نکرده ایم که یک شرط مهم همبستگی با این دلاوران، افشاء بازی بین دوجناح کلیت تروریستی و بربریت موجود است.

